

صیاد و غول چراغ

داستان تصویری

۱۲

آینبات

یک روز ماهی گیر به دریا رفت و مثل همیشه تورش رو پهن کرد اما...



عجب
شانس بدی!

اینم شد صیدا!



من هرگز بیشتر از چهار بار تور نمیندازم
حتی اگه چیزی نصیبم نشه.



من صد سال در اعماق دریا زندانی بودم. با خودم عهد کردم هر کی منو آزاد کنه گنج های زیر زمین رو به او بدم اما هیچ کس نیومد. چهارصد سال دیگه توی این کوزه زندانی بودم، این دفعه به خودم قول دادم، هر کسی رو که سراغم بیاد با هر روشی که خودش انتخاب کنه بکشمش. حالا بگو ببینم، تو می خوای چه جوری بمیری؟



ای صیاد آماده
مرگ باش!

پاداش من که تو رو از این زندان آزاد کردم اینه؟

